

بررسی شخصیت زن و اندیشه‌های فمینیسم در رمان زنان بدون مردان شهرنوش پاریسی پور

*بینگ هوی هوانگ^۱

۱. کارشناسی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه پکن، چین. رایانامه:

Eveyhuang1999@hotmail.com

اطلاعات مقاله (۲۳۵-۲۵۰)	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	رمان <i>زنان بدون مردان</i> نوشته شهرنوش پاریسی پور، نویسنده مشهور ایرانی، از رمان‌های مطرح ادبیات معاصر ایران است. داستان این رمان بر اساس تجربیات زندگی پنج زن ایرانی در سنین مختلف و طبقات گوناگون جامعه شکل می‌گیرد و مسائل حقوق و منافع زنان ایرانی در جامعه مردسالار را نشان می‌دهد. به خاطر این که پنج زن در این رمان ویژگی‌های شخصیتی و سابقه‌های مختلفی دارند و نمایانگر سنین و طبقات اجتماعی مختلف هستند؛ تجارب زندگی آنها نمونه‌ای از گروه‌های مختلف زنان در جامعه ایران بوده است. آگاهی از استقلال زن که در این کتاب تجسم یافته است؛ نشانگر بیداری اندیشه‌های فمینیسم است. بدین منظور در این مقاله کوشیده شده تا بر اساس شیوه تحلیلی-توصیفی به تبیین شخصیت‌های زن پرداخته شود و با استفاده از تئوری فمینیسم اندیشه‌های فمینیسم تجسم یافته در این رمان بررسی شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰	
واژه‌های کلیدی: شهرنوش پاریسی پور، <i>زنان بدون مردان</i> ادبیات زنان فمینیسم	

۱. مقدمه

رمان *زنان بدون مردان* به شش زبان انگلیسی، چینی، سوئدی، هلندی، فرانسوی، ایتالیایی و اسپانیایی ترجمه شده است. در محافل دانشگاهی غرب، کامران تल्प، مترجم نسخه انگلیسی این رمان، محقق مشهور ایران‌شناسی آمریکایی، در تحقیقات در این زمینه از نفوذ و اعتبار زیادی برخوردار است. او در مقاله‌های خود مانند «ادبیات زنان ایرانی: از گفتمان اجتماعی قبل از انقلاب اسلامی تا فمینیسم پس از انقلاب اسلامی» و «شکستن تابوها در ادبیات زنان ایران: اثر شهرنوش پارسى پور»، تحلیل و ارزیابی دقیقی از این رمان انجام داد و ارزش ادبی و اجتماعی اندیشه فمینیسم موجود در این رمان را تجزیه و تحلیل کرد. وی در مقاله ادبیات زنان ایرانی: از گفتمان اجتماعی قبل از انقلاب اسلامی تا فمینیسم پس از انقلاب اسلامی، رمان *زنان بدون مردان* را به همراه یک شاهکار دیگر از شهرنوش پارسى پور به نام طوبی و معنای شب ارزیابی کرده است. وی نه تنها اندیشه‌های فمینیسم موجود در آنها را مثبت ارزیابی کرده بلکه به تأثیر آنها بر کشور نیز اشاره نموده است. وی نوشت که این دو کتاب بر درد و ستم ناشی از زندگی مردسالاری تأکید دارند و ایدئولوژی کشور را به چالش می‌کشند. (Talattof, 1997)

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

بشر در طی تاریخ همواره در پی خواسته‌های خود در صدد طبقه‌بندی دیگر پدیدارها برآمده؛ این نگاه سلسله‌مراتبی حاصل سه رویکرد اساسی انسان به دیگر پدیدارهاست. یعنی: اصالت فایده، اصالت لذت و پیامدگرایی. (مرادی، ۱۴۰۰: ۴) یعنی بشر همواره پدیدارها را بنابر لذت و فایده و پیامدی که برای او دارند دسته‌بندی کند. «اولین دوره تکامل ما که دوره شکار و گردآوری بود.» (کانر، ۱۴۰۰: ۳۳۱) دشواری این دوره آغازین و رونمایی قدرت بیشتر مرد را تعمیم بدهید به انگاره‌های دیگر در زیست بشر. بنابراین درمی‌یابیم که زن نیز از این نگاه سلسله‌مراتبی مستثنا نبوده: «از گزارش‌های انسان‌شناسی و همچنین از تاریخ غرب می‌توان به این نتیجه رسید که تساوی بین دو جنس به ندرت دیده شده و در اکثر جوامع، زن تحت سلطه مرد است. تسلط مرد در بیشتر جوامع انسانی به صورت گسترده متداول است.» (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۶۷) بنابراین از آن رو که به گفته فلاسفه مرد قدرت برتر شناخته شد و بنابر دوگانه‌گرایی جنسی و جنسیتی، زن‌ها به پستوها رانده شدند؛ برای خدمت به مردان و ارضای خواسته نیروی آنها و فرزندآوری و... بنابراین این دوگانه‌نگاری بین زن و مرد را

می‌شود از زمان‌های دور مورد بررسی قرار داد اما در بررسی این فرآیند: چنین برمی‌آید که سیاست، اقتصاد، فرهنگ، زبان، ادبیات و در یک کلام، قدرت و ساختارهای آن، از دیرباز، در دست مردان بوده و تا به امروز بر اساس دیدگاه آنان طراحی شده است. قوانین و احکامی که از سوی صاحبان منافع در طی قرن‌ها به افراد بشر تحمیل شده اکثراً در جهت تحمیل انسان‌ها بوده و امروز چنان در روح قومی و جهانی ملت‌ها حک شده که بسیاری، به اشتباه، همه آن قواعد را ذاتی و فطری می‌پندارند حال آنکه، آن قواعد به‌هیچ‌وجه بی‌ارتباط به ساختار قدرت‌های زمانه نبوده و بنابراین هرگز این‌گونه نیست که «زن» ذاتاً نسبت به مرد کم توان و کم استعدادتر باشد. (وهاب‌زاده، ۱۳۹۷: ۲)

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

زن رکن اساسی جامعه بشری و شرط پویایی و استواری آن است. وجود نگرش صحیح به زن عالی‌ترین راهگشای حیات بشری است و در اسلام نیز تمام دستورات اسلامی به نوعی ناظر بر صیانت از جنس زن است. (محمدیان، ۱۴۰۰: ۲) درباره فمینیسم «نظریات گوناگون و گاه مخالف هم ارائه شده بنابراین فمینیسم تعریف و مرز روشنی ندارد. تنها نقطه مشترک انواع فمینیسم این است که زنان در موقعیت فرودست به‌سر می‌برند و باید برای کاهش این نابرابری، دگرگونی‌هایی در نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی صورت گیرد.» (فریدمن، ۱۳۸۳: ۵) هدف این مقاله بررسی رویکردهای انتقادی فمینیسم نسبت به مقوله‌ای به‌نام زن در سیر تاریخی آن در ادبیات و به‌طور مشخص رمان *زنان بدون مردان* است. نگارنده این مقاله پدیداری به‌نام زن را همواره به‌عنوان نیمه دیگر انسان در کنار پدیدار مرد مورد نظر دارد و صرفاً دیدگاه‌های بیان شده در متن پژوهش، نگاه نویسنده این رمان به جامعه ایرانی در حدود سال‌های زیست خود بوده که پژوهش‌گر این مقاله آنها را به بررسی می‌نشیند. جدای از دیدگاه‌های فمینیستی مقوله فلسفی دیگری به‌نام فرافمینیسم برای اولین بار در ایران و در مکتب اصالت کلمه و توسط آرش آذرپیک مطرح شده که هم در تقابل با دیدگاه شدیداً سنتی جهان به جنس زن و هم در تقابل صددرصد با اندیشه‌های فریبنده فمینیستی است؛ «فرافمینیسم بدون انکار تأثیر ساحات اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و... وجود انسانی را مقدم بر تمام این فرم‌ها و ساختارهای جمعی می‌پندارد.» (نوروزعلی، ۱۴۰۰: ۸۷)

۳-۱. پیشینه پژوهش

به دلیل نگاه جامعه موضوع فمینیسم اگر چه نه در بطن زندگی ولی در مطالعات و پژوهش‌های متعددی رخ نشان داده و مطالعات میدانی، دانشگاهی و پژوهشکده‌ای فراوانی در مورد آن انجام گرفته؛ نقیب‌زاده و سعیدلویی (۱۳۹۰) در مقاله «فمینیسم در فراز و فرود پارادایم زمان» به بررسی تحول این نگاه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف پرداخته‌اند. پیشگاهی فرد و قدسی (۱۳۸۹) در مقاله «نظریه‌های فرهنگی فمینیسم و دلالت‌های آن بر جامعه ایرانی» تاثیر جامعه ایرانی بر فمینیسم و برعکس را نشان داده‌اند. سفیر و رفیعی (۱۳۹۵) در مقاله «فمینیسم یک دروغ شرافت‌مندانه» وضعیت زنان را مطالعه کردند. یزدانی (۱۳۸۸) در مقاله «فمینیسم و انقلاب اسلامی» این موضوع را با نگره سیاسی و بین‌المللی بررسی کرده و چراغی کوتیانی (۱۳۹۳) در مقاله «از فمینیسم ایرانی تا فمینیسم اسلامی» به رویارویی ایرانیان با این مقوله اشاره کرده‌اند. در حال حاضر در مورد رمان *زنان بدون مردان* در محافل دانشگاهی ایران می‌توان آثار تحقیقی درباره این رمان را به سه گروه تقسیم کرد: مقالات رشته جامعه‌شناسی، مقالات رشته ادبیات تطبیقی و مقالات انتقادی ادبیات. در میان آنها، مقاله جمشید یداللهی آهنگر و صمد صباغ به عنوان بررسی جامعه‌شناختی رمان *زنان بدون مردان* شهرنوش پارسی‌پور از نظریه‌های جامعه‌شناسی مانند نظریه اقدام ارتباطی هابرماس استفاده می‌کند و بر اساس ساختار اجتماعی ایران در دهه ۱۹۵۰ ارزش اجتماعی این رمان را تحلیل می‌کند. «بررسی تطبیقی عناصر رئالیسم جادویی در هزار توه‌های بورخس و رمان *زنان بدون مردان* شهرنوش پارسی‌پور»، «بررسی اندیشه فمینیسم در آثار شهرنوش پارسی‌پور و مارگریت دوراس» و «زن آرمانی؛ زن فتانه در آثار: سیمین دانشور، شهرنوش پارسی‌پور، غزاله علی‌زاده، منیرو روانی‌پور و بلقیس سلیمانی» از منظر ادبیات تطبیقی این رمان را مطالعه می‌کنند که مقاله اول بر تکنیک رئالیسم جادویی در این رمان متمرکز است؛ در حالی که دو مقاله دیگر با بررسی قسمت‌های مهم این رمان اندیشه‌های فمینیسم را که در این اثر وجود دارند مانند سنت شکنی، مبارزه با مرد سالاری و تشویق زنان به کسب علوم مختلف به طور مقایسه‌ای مورد مطالعه قرار می‌دهد. با این حال از آنجا که رمان *زنان بدون مردان* موضوع اصلی تحقیق در این دو مقاله نیست؛ در این دو مقاله تجزیه و تحلیل درباره این رمان کامل و مفصل نیست. علاوه بر دو نوع مقالات یاد شده؛ مقالات مرتبط انتقادی ادبیات نیز وجود دارند؛ مانند «رمان‌های فراموش نشده *زنان بدون مردان*» رضا نوری و «صد سال داستان

نویسی ایران» حسن میرعابدینی که محتوای این رمان را خلاصه و ارزیابی می‌کنند. در مقاله رمان‌های فراموش ناشده *زنان بدون مردان* نویسنده با توصیف سرنوشت پنج زن در *زنان بدون مردان* محورهای اصلی این کتاب را خلاصه کرده و به تاثیر این رمان و فداکاری شهرنوش پاریسی پور برای نوشتن این رمان اشاره کرده است: طرح مسائل زنان به ویژه زنانگی، آن هم به شیوه‌ای نسبتاً عریان و بدیع به قلم یک نویسنده زن در جامعه‌ای که هنوز درگیر معیارهای سنتی و مذهبی بود و حکومتی ایدئولوژیک نیز آن را از دستاوردهای مدرن پیشین دور کرد؛ بدون هزینه نبود. (نوری، ۱۳۹۹)

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. فصل اول: شهرنوش پاریسی پور و رمان *زنان بدون مردان*

شهرنوش پاریسی پور (زاده ۱۹۴۶ در تهران) داستان‌نویس و مترجم ایرانی است. او در شهر تهران از مادری تهرانی و خانه‌دار و پدری شیرازی که قاضی دادگستری بود متولد شد و از بچگی آموزش خوبی پذیرفت. او در ۱۳ سالگی شروع به نوشتن داستان نمود و در ۱۶ سالگی برای اولین بار داستان خود را در مجله به چاپ رساند. او در سال ۱۹۷۳ از رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و سپس برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در رشته زبان و فرهنگ چینی دانشگاه سوربن مشغول به تحصیل شد. همین تجربه آموزشی بود که او را تحت تاثیر فرهنگ غربی قرار داد. بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه سوربن، او به ایران بازگشت و در تلویزیون ملی ایران به عنوان تهیه کننده برنامه زنان روستایی مشغول به کار شد.

در سال ۱۹۷۴، اولین رمان شهرنوش پاریسی پور به نام *سگ و زمستان* بلند چاپ شد و در همین سال او به خاطر شرکت کردن در شورش ضد دولتی زمان پهلوی ۵۴ روز در زندان ماند و این اولین زندان او بود. در سال ۱۹۸۱، به خاطر همراه داشتن نشریات ممنوعه مجدد به زندان افتاد. وی بعد از آزاد شدن، یک کتاب‌خانه باز کرد تا هزینه زندگی و نویسندگی خود را تامین کند. پس از انتشار رمان *زنان بدون مردان*، به علت محتوای بحث برانگیز در این رمان کمیته منکرات او را احضار کرد تا او را بازجویی و زندانی کنند. سپس او از ایران خارج شد و به آمریکا مهاجرت کرد.

اگر چه آثارش در ایران بحث برانگیز بوده است اما دستاوردهای او در ادبیات و شهرت بین‌المللی آثارش قابل ملاحظه است. رمان‌هایش مثل *زنان بدون مردان* و *طوبی و معنای شب*

به زبان‌های گوناگون دنیا ترجمه شده است و او همچنین از سوی هجدهمین کنفرانس پژوهش‌های زنان در آمریکا، به عنوان زن سال برگزیده شد.

زنان بدون مردان یکی از تأثیرگذارترین رمان‌های شهرنوش پارسی پور است که به عنوان اثر نمایندگی حقوق زنان ایران نیز شناخته می‌شود. داستان این رمان در فضای تهران در سال ۱۹۵۳ و حول تجربیات زندگی پنج زن ایرانی از طبقات مختلف شکل می‌گیرد. با آن که این پنج زن سنین مختلف دارند؛ در طبقات اجتماعی زندگی می‌کنند و تجربه‌های زندگی متفاوتی دارند اما آنچه میان این افراد مشترک است این است که همه آنها درد ناشی از بی عدالتی مرد سالاری را تحمل کرده‌اند. در پایان، آنها پس از تجربه بسیاری از تغییرات زندگی در باغی در کرج در حومه تهران گرد هم آمدند و تصمیم گرفتند یک جامعه ضد مردسالاری، و اتحاد خودکامگی یعنی یک حلقه زنان بدون مردان ایجاد کنند. از این رو، نویسنده این رمان را «زنان بدون مردان» نامید. این رمان برای توصیف تجارب مختلف پنج زن از رئالیسم جادویی استفاده می‌کند و مسائل حقوق و منافع زنان ایرانی را مثل مفهوم سنتی درباره زنانگی، ازدواج و مشکلات مربوط در جامعه مردسالار منعکس می‌کند. آگاهی از استقلال زن که در این کتاب تجسم یافته است؛ در زمینه ادبیات فارسی معاصر پیشگام بود.

۲-۲. فصل دوم: شخصیت‌های زن در رمان زنان بدون مردان

داستان زنان بدون مردان بر اساس سرنوشت پنج زن به نام‌های مهدخت، فائزه، مونس، زرین کلاه و فرخ لقا شکل می‌گیرد که سه دختر اول حدود بیست تا سی ساله هستند؛ زرین کلاه زنی بدکار و بیست و شش ساله است و فرخ لقا خانمی پنجاه و یک ساله است که در طبقه بالای جامعه زندگی می‌کند. این رمان با روایت خطی و فصل‌های ظاهراً مستقل در مورد هر شخصیت آغاز می‌گردد و در قسمت‌های آخر تجربیات آنها به صورت سری به هم پیوند می‌خورد. به خاطر این که آنها ویژگی‌های شخصیتی و سابقه‌های مختلفی دارند و نمایانگر سنین و طبقات اجتماعی مختلف هستند؛ تجارب زندگی آنها نمونه‌ای از گروه‌های مختلف زنان در جامعه ایران بوده است.

مهدخت: دختری که به پاکدامنی خود اهمیت زیادی می‌داد

مهدخت نماینده زنان سنتی است. او ساده و محافظه کار است و تاکید او بر عفت و عصمت ویژگی اصلی وی در این رمان است.

شخصیت مهدخت حول دو نقطه عطف مهم در زندگی او شکل می‌گیرد. اولین نقطه عطف زندگی‌اش ترک کردن مدرسه بود. او قبلاً معلم بود اما وقتی که مدیر مرد مدرسه از او برای رفتن به سینما دعوت کرد؛ این دعوت را توهین قلمداد کرد و از مدرسه استعفا داد تا پاکی و عفت خود را اثبات کند. این طرح پاکی و خویشتن داری او را نشان می‌دهد اما همچنین نشان دهنده فاصله تقریباً بیمارگونه بین او و مردان است.

نقطه عطف دیگر زندگی او تبدیل شدن به درخت پس از دیدن رابطه نامشروع دیگران بود. وقتی که او در خانه برادر بزرگترش در کرج زندگی می‌کرد؛ به طور تصادفی رابطه نامشروع دختر خدمتکار که زیر سن قانونی بود را با باغبان مشاهده کرد. مهدخت از این موضوع مضمّن شد و کم‌کم رو به دیوانگی رفت. در پایان، این دختر بسیار ساده تصمیم گرفت که درختی پر از جوانه شود و خود را در باغ خانواده‌اش کاشت. او همیشه فکر می‌کرد که زنانگی من مثل درخت است. (پارس‌پور، ۱۳۸۸) این جمله هم نشان می‌دهد که او به پاکی خود اهمیت بسیاری می‌دهد.

فائزه: دختری که عشق خود را جست‌وجو می‌کرد

فائزه دختری بیست و هشت ساله است که ازدواج نکرده است. در این کتاب، ویژگی‌های او نسبتاً متنوع است: او شجاع و رک گو ولی تا حدودی خودخواه است. او گاهی از اوقات سنتی و محافظه کار است و گاهی نیز اندیشه‌هایی باز و پیشرفته دارد.

در این رمان، او شخصی است که برای یافتن عشق شجاع و حتی دیوانه است. او عاشق امیر خان، برادر مونس شد و برای ازدواج با امیر خان، با مونس دوست شد. وی به منظور دیدن امیر خان هنگام کودتای ۲۸ مرداد جرات کرد از شهر عبور کند تا به خانه مونس برود. او وقتی فهمید امیر خان مونس را به قتل رسانده است حتی به او کمک کرد تا مونس را دفن کند. در پایان، وی با امیر خان که از قبل متاهل بود صیغه ازدواج موقت خواند و با او وارد زندگی شد. از یک سو، افکار او عمیقاً تحت تأثیر اندیشه‌های سنتی ایرانی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، وقتی که فهمید امیر خان مونس را که یک ماه به خانه برگشته بود به قتل رسانده است؛ او را تحسین کرد و معتقد بود که دختری که یک ماه گم شود؛ بی‌حیا است. علاوه بر این، بعد

از این که او و مونس مورد تعرض قرار گرفتند؛ فکر می‌کرد زنانگی مونس که تقریباً چهل ساله بود؛ هیچ ارزشی ندارد اما زنانگی خودش برای ازدواج ارزشمند است.

از سوی دیگر، وی بعضی وقت‌ها افکار متفاوتی از افکار سنتی را نیز نشان می‌دهد. برای مثال، او به مونس اطلاعات پیشرفته‌ای در مورد جسم زنان که در کتاب‌ها دیده بود منتقل کرد. وی در باغ کرج به امیرخان گفت: «هیچ از زن‌های خانه خوشم نمی‌آید. زن باید اجتماعی باشد. زن باید به مردش کمک کند تا در اجتماع پیش برود.» (همان) از این جمله می‌توان دریافت که تفکر او با اندیشه‌های سنتی در جامعه ایران مانند «خانه مال زن است؛ بیرون مال مرد» مخالف است. از این لحاظ افکار او پیشرفته است؛ اما در عین حال، «زن باید به مردش کمک کند تا در اجتماع پیش برود.» (همان) نشان دهنده این است که افکار او باز هم تحت تاثیر افکار مردسالار است.

مونس: دختری که با تولد مجدد مستقل شد

مونس کلیدی‌ترین شخصیت کتاب و نماینده بیداری استقلال زنان است. در این رمان او دو بار مرگ و تولد را تجربه کرده است و این دو بار تولد دقیقاً روند بیدار شدن تدریجی استقلال او است.

در آغاز رمان، مونس دختری ۳۸ ساله با شخصیتی ملایم و مطیع است. فقط به دلیل این که از خانواده یاد گرفت «دختر اگر از بلندی بپرد به زنانگی‌اش آسیب می‌زند.» (همان) از کودکی برای حفظ، هرگز هیچ ورزشی انجام نمی‌داد. هنگامی که دوستش ساختار واقعی بدن زنان را به او گفت، تصور ۲۸ سال او در اینباره فرو ریخت. بعد از آن وی به منظور خلاص شدن از شر اندیشه‌های اصلی خود، از پشت بام پرید و بیهوش شد و پس از بر گشتن به زندگی، بیش از یک ماه در خیابان گشت و گذار کرد. در این روند، دیدگاه او درباره بدن زنان تخریب و بازسازی شد و برای اولین بار دوباره متولد شد.

هنگامی که وی پس از یک ماه سرگردانی به خانه بازگشت؛ برادرش او را بخاطر این که یک ماه گم شده بی‌حیا خواند و با عصبانیت او را کشت. ولی بعد از آن در روز عروسی برادرش دوباره به زندگی بازگشت و این دومین تولد او بود. همین تولد بود که مونس را کاملاً متحول کرد: او از یک دختر مطیع به زن مستقل تبدیل شد. چون پس از تولد مجدد می‌توانست افکار دیگران را بخواند. او دیگر از دیگران حرف شنوی نداشت بلکه به شخصی تبدیل شد که قادر بود به طور مستقیم نظرات خود را بیان کند. او به دلیل کشته شدن توسط برادرش، به شخصی

ضد پدرسالار تبدیل شد که همین امر باعث شد تا وی برای تشکیل یک اتحاد ضد برادری به کرج برود. علاوه بر این، مهارت ذهن خواندن او باعث شد که جایگاه زنان و دیگر چیزها را به وضوح درک کند. به عنوان مثال، پس از مورد تعرض قرار گرفتن، بر خلاف فائزه نا امید نشد و توانست این حادثه را با آرامش بپذیرد. به علاوه نسبت به وضعیت موجود زنان در جامعه کاملاً هوشیار بود. وی گفت: «بدبختانه هنوز دوره‌ای نیست که زن تنها سفر برود. یا باید نامریی بشود یا باید چشمش کور در خانه بماند.» (پاریسی پور، ۱۳۸۸) از این جمله می‌توان دریافت که پس از تجربه دو تولد مجدد، او دیگر وضعیت زنان در خانواده و جامعه را درک کرده است.

زرین کلاه: زنی که خود را از ظلم مردسالارانه رها کرد

زرین کلاه زن بدکاره‌ای است که از کودکی در یک ...خانه بزرگ شده است. او تنها زن از سطح پایین جامعه در این رمان است. داستان این زن عمدتاً حول کوشش او برای رهایی از ستم مردسالاری است. به نظر می‌رسد او پر از انرژی است اما در حقیقت از کار خود خسته و رنجور شده است و بالاجبار سرنوشت خود را پذیرفت تا اینکه یک روز متوجه شد که همه مردان را بدون سر می‌بیند. او این پدیده را به زشتی کار خود نسبت داد و احساس مجرمیت در دلش پر شد. او برای شستن احساس گناه به حمام رفت. پنجاه بار غسل کرد و به شاه عبدالعظیم رفت. سرانجام هنگام زندگی کردن در باغی در کرج با تنها مرد آنجا به نام باغبان عزم ازدواج کرد. در پایان رمان، یک گل نیلوفر زایید و سرانجام کفاره گناهان خود را داد.

فرخ لقا: خانمی که در دام ازدواجی اشتباه گرفتار شد

در این رمان فرخ لقا تنها زن میانسال و متاهل است. شخصیت پردازی این خانم عمدتاً حول ازدواج او شکل می‌گیرد. او از زنانی است که با شوهر نامناسب عمرشان را می‌گذرانند و هرگز از ازدواج خود راضی نیستند. شوهرش هر روز او را به عنوان یک زن یائسه مسخره می‌کرد و در مقابل او هم از شوهرش خوشش نمی‌آمد. همچنین بین شخصیت او و شوهرش تفاوت‌های زیادی وجود دارد: او دارای سلیقه عالی و عاشقانه است و عشق قدیمی خود را که مدت‌ها پیش در تصادفی از دنیا رفته بود؛ به شوهر مبتذل و خسته کننده‌اش ترجیح می‌داد و با مقایسه با عشق قدیمی‌اش، تصویر شوهرش برایش بیش از پیش غیر قابل تحمل می‌شد. سرانجام، او شوهرش را از پله‌ها پایین کشید و به قتل رساند. وی پس از کشتن شوهر خود، باغ خانواده مهدخت را خریداری نمود و تمام روز میزبان افراد مشهوری بود چون او می‌خواست

به عنوان یک مشاور مشهور شود. در پایان این رمان او با عشق قدیمی‌اش ازدواج کرد و با حمایت شوهر جدید خود جایگاه اجتماعی را که می‌خواست؛ به دست آورد.

۲-۳. فصل سوم: اندیشه‌های فمینیسم در رمان *زنان بدون مردان*

این اثر از رئالیسم جادویی و تعداد زیادی گفت‌وگو استفاده می‌کند و از طریق شخصیت‌پردازی و طرح مبتکرانه، مسائل حقوق و منافع زنان در جامعه سنتی مردسالار ایران را نشان می‌دهد. این رمان از اندیشه‌های فمینیستی برخوردار است. در بخش زیر برای خلاصه و تحلیل افکار فمینیستی تجسم یافته از نظریه‌های مدرن فمینیستی و نظریه‌های نقد ادبی فمینیستی استناد خواهد شد.

زیر سوال بردن اندیشه سنتی درباره زنانگی

شهرنوش پارسی پور انگیزه نوشتن این رمان را چنین شرح داده است: تا نسل ما خیلی از دخترها اساساً با بدن خودشان بیگانه بودند. چیزی از بدن خودشان نمی‌دانستند. من خودم حتی تا زمانی که بچه‌دار هم شده بودم واقعا نمی‌دانستم چیست. (نوری: ۱۳۹۹) برای همین، بحث در مورد این مسئله، یکی از موضوعات اصلی این رمان است. در شخصیت‌پردازی و طرح داستان، پارسی‌پور بارها مفهوم سنتی عفت را زیر سوال برده و آن را با نگاهی متفاوت برانداز کرده است.

سیمون دوبوار، نویسنده و فیلسوف فمینیست و اگزستانسپالیست فرانسوی، در کتاب خود به نام «زن چیست؟ یک دختر» نوشته که برای یک زن جوان، بین «یک شخص واقعی بودن» و «یک زن بودن» تفاوت وجود دارد و رفتار خویشتن‌داری که بر زنان تحمیل شده؛ غرایز طبیعی آنها را از بین می‌برد. (Beauvoir, ۱۹۸۸) در رمان *زنان بدون مردان* نویسنده زنانگی را وسیله‌ای بازدارنده می‌داند که باعث می‌شود زن مجبور شود ویژگی طبیعی خود را سرکوب کند تا از عفت خود محافظت کند. دقیقاً به دلیل همین اندیشه سنتی است که مونس، حتی در دوران کودکی هرگز از بالا رفتن از درخت لذت نمی‌برد. فائزه نیز به خاطر دیدگاه‌های سنتی نسبت به عفت و ازدواج بعد از تعرض، نگران این بود که «جواب سر و همسر را چه بدهم؟» (پارسی‌پور، ۱۳۸۸)

این طرح همچنین براندازی اندیشه سنتی عصمت را نشان می‌دهد. لی جی فی، نویسنده چینی، در مقاله خود به نام رمان‌های آنها این تابوها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و معتقد است این تابوها «عمیق‌ترین و محکم‌ترین سنگر نظم مردسالاری است و همچنین پنهان‌ترین روش مردسالارانه برای سرکوب و کنترل زنان است.» (Li, ۱۹۹۵) این قسمت‌های یاد شده نه تنها منعکس‌کننده تغییرات فکری شخصیت‌های زن در این رمان است بلکه با تغییر این شخصیت‌ها، قیدهای محکم یعنی تابوهای جنسی بر زنان را نیز می‌شکند و آزادی ذهن زنان را منعکس می‌کند.

آشکار سازی ظلم به زنان در خانواده و جامعه مردسالار

از نظر خانواده، این رمان هم ظلم برادر به خواهر را توصیف می‌کند؛ هم ظلم شوهر به زن در روابط زناشویی را نشان می‌دهد.

در این کتاب امیرخان، برادر بزرگ مونس، مردی فوق‌العاده سنتی است که معتقد است که «خانه مال زن است، بیرون مال مرد.» (همان) وقتی مونس یک ماه خارج خانه سرگردان بود؛ وی بارها مونس را به خاطر بی‌حیا بودن تا حد مرگ کتک زد و سرانجام با عصبانیت او را کشت. خشونت امیرخان تأیید می‌کند که در یک جامعه مردسالار، هوش مردان مبتنی بر رفتار مطیعانه زنان است. وقتی تبعیت مطلق زنان از مردان از بین می‌رود؛ زنان احتمالاً با ظلم و ستم بیشتری روبرو می‌شوند.

فرخ لقا و شوهرش نمونه‌ای از ستم مردسالاری نسبت به زنان از نگاه ازدواج بودند. رفتار شوهر فرخ لقا مظهر ظلم ذهنی در ازدواج مردسالار است. او همیشه فرخ لقا را به عنوان زنی که از سن باروری گذشته؛ مسخره می‌کرد و معتقد بود که وقتی یک زن یائسه می‌شود؛ احساساتش هم فرق می‌کند و لابد برای همین مرد حق دارد چند زن بگیرد؛ لابد برای آن که دایم مجبور نباشد یک یائسه را در رخت‌خوابش تحمل کند. (همان) با این وجود، در برابر این نوع شکنجه‌ها و خشونت‌های روحی و عاطفی، فرخ لقا سال‌ها تحمل می‌کرد.

سیمون دوبوار وضعیت «جنس دیگر» و «جنس دوم» زنان را کشف و تشریح کرده است. وی در کتاب فمینیستی خود به عنوان جنس دوم نظریه خود را این‌گونه نوشت: مرجع تعریف و تمایز زن مرد است اما مرجع تعریف و تمایز مرد زن نیست. زن شخص فرعی و شخص ثانویه نسبت به مرد است. مرد شخص مطلق و اصلی است اما زن شخص دیگر به شمار می‌رود. (Beauvior, ۱۹۹۸) در رمان *زنان بدون مردان*، نویسنده با شرح دادن رابطه نامناسب بین

خواهر و برادر و شوهر و زن، وضعیت جنس دوم زن را نشان می‌دهد و ستم و ظلمی که زنان به عنوان «جنس دوم» در خانواده تجربه می‌کنند را منعکس می‌کند.

طبق نظریه کاترین مک کینون، حقوقدان مشهور فمینیست آمریکایی، آزار و اذیت جنسی، خشونت خانگی و... از عوامل اصلی سلطه مردان بر زنان است. (Huang, ۲۰۱۸) این اثر نیز با توجه به موضوعاتی مانند تجاوز و آزار، مسائل حقوق زنان نشأت گرفته از مردسالاری را نشان می‌دهد.

سرنوشت زرین کلاه مستقیماً نشان دهنده آزار و شکنجه زنان آلوده به تن فروشی است. او در مقابل صاحب... خانه از خستگی در کارش شکایت کرد ولی «ابتدا جوابش غرولند بود و بالاخره یک بار کتک خورده بود و خفه شده بود.» (پارسی‌پور، ۱۳۸۸) او حتی جرات فرار نداشت، زیرا «اگر از این خانه می‌رفت؛ لابد باید یک راست می‌رفت به خانه دیگر» (همان) بنابراین «سرنوشتش را پذیرفته بود.» (همان) همین افسردگی طولانی مدت بود که باعث شد در نهایت همه مردان را بدون سر ببیند. در این قسمت نویسنده از رئالیسم جادویی استفاده کرده و توصیف رئالیسم را با طرح اغراق آمیز و ماورا الطبیعه با معنای نمادین ترکیب کرده تا نشان دهد به خاطر این که زرین کلاه مدت طولانی به عنوان یک کالا خرید و فروش شده؛ انزجار روانی از مردان در دلش ریشه داشته است. این هم بیانگر درماندگی و درد زنان در طبقه پایین اجتماع در مقابل سرکوب جامعه مردسالار است.

علاوه بر سرنوشت زرین کلاه، تجربه فائزه و مونس هم آزار و اذیت جنسی به زنان را منعکس می‌کند. فائزه و مونس در راه به کرج توسط راننده مورد آزار قرار گرفتند و پس از آن راننده به شوخی گفت: «داشتم زمین را آبیاری می‌کردیم.» (همان) سیمون دوبوار در مقاله خود به نام چشمی برای چشم تعریف کرد که شر اساسی یعنی بی ارزش کردن افراد به اشیا. (Cheng, ۲۰۱۶) خواه مردانی باشند که زرین کلاه را مجبور به فاحشگی کردند یا مردانی که فائزه و مونس را مورد آزار قرار دادند؛ همه نمونه‌ای از شر اساسی هستند زیرا از نظر آنها زرین کلاه فقط کالایی سودآور است و زنانی مثل فائزه و مونس تنها طعمه‌ای برای رفع خواسته‌های مردان هستند. این نوع «شر اساسی» هم فاجعه‌ای است که از جامعه‌ای مردسالار نشأت گرفته است.

بیداری اندیشه‌های استقلال زنان

سیمون دوبوار در جنس دوم نوشت که زنان باید زنجیرهای جامعهٔ مردسالار را بشکنند و ذات خود را بسازند. زنان باید خود را تعریف کنند؛ ترکیب اجتماعی زنان را مشخص کنند و با برچسب زدن زنان به عنوان جنس دوم مخالفت کنند. (Li, ۲۰۲۰)

پس از برشمردن رنج‌هایی که این شخصیت‌ها تحمل کردند؛ نویسنده روند جست‌وجوی ارزش‌های شخصی زنان از طریق مقاومت را توضیح می‌دهد. در این کتاب همهٔ زنان در برابر ظلمی که قبلاً متحمل شده‌اند مقاومت می‌کردند: مونس که توسط برادرش امیرخان کشته شد؛ در شب عروسی برادرش دوباره متولد شد و به برادرش هشدار داد «اگر به او (عروس) آزار برسانی، بلایی به سرت می‌آورم که تا آخر زندگی یادت بماند.» (پاریسی پور، ۱۳۸۸) زرین کلاه پس از اینکه مردان را بی سر دید، از خانهٔ فساد فرار کرد. فرخ لقا که مدت‌ها تحت ستم روحی شوهرش بود؛ شوهر خود را به قتل رساند.

منتقدان ادبی فمینیست آمریکایی به نام سوزان کوبار و ساندرای گیلبرت در کتاب *زن دیوانه در اتاق زیر شیروانی* نوشتند که نویسندگان زن عصبانیت و بی عدالتی جنسیتی را به تصویر ترسناک تبدیل می‌کنند و برای آنها و قهرمانان‌شان نسخه‌های تاریک ایجاد می‌کنند. این رویکرد «تعریف خود» را که توسط فرهنگ مردسالار به آنها تحمیل شده؛ شناسایی و تصحیح می‌کند. (Li, ۲۰۲۰) این زنان در *زنان بدون مردان* با مردسالاری به شکلی اغراق آمیز و افراطی مبارزه کردند که این مبارزه را می‌توان به عنوان تلاش آنها برای جدا شدن از برچسب جنس دوم درک کرد. همان‌طور که فائزه در این رمان گفت: زحمت خودمان را بخوریم و از شر آقا بالا سر راحت شویم. (پاریسی پور، ۱۳۸۸)

علاوه بر این، تأسیس اجتماع *زنان بدون مردان* در کرج نیز نشان‌گر مبارزهٔ این زنان با مردسالاری و آزادی و استقلال آنها است. زنی که قبلاً توسط خانواده سرکوب شده بود از شر ستم خلاص شد. زنی که قبلاً در دام ازدواجی غلط گرفتار بود؛ شروع به تعقیب جایگاه اجتماعی مورد نظر خود کرد و زنی که مجبور شد تن خود را بفروشد خود را نجات داد. این پایان نسبتاً رضایت بخش بیان‌گر آرزوی نویسنده است که زنان ارزش خود را پیدا کنند و فارغ از ستم مردسالارانه زندگی کنند.

۳. نتیجه گیری

حسن میرعبدینی، نویسنده و منتقد ادبی مشهور ایرانی، در کتاب صد سال داستان نویسی ایران در مورد این رمان اظهار نظر کرد که از ورای داستان‌هایی که به ناکامی‌ها و تلخکامی‌های زنان می‌پردازد، چهره‌نومیدانه یک زندگی از دست رفته آشکار می‌شود تا اعتراضی عرفانی باشد بر سنت‌های زن‌ستیزانه. (نوری، ۱۳۹۹) همچنین در مقاله رمان‌های فراموش‌نشده زنان بدون مردان نوشت که پارسی‌پور در این رمان، مضامینی چون خشونت علیه زنان، زن‌گشی، هویت زنانه و همچنین سنت‌های مردسالارانه جامعه ایرانی را نیز در قالب داستان زنان روایت و نقد می‌کند. (نوری، ۱۳۹۹)

جایگاه جنس دوم بودن زن ریشه در فرهنگ اجتماعی ایران دارد. در چنین فضای اجتماعی، نویسنده با ساختن پرتره‌گروهی از زندگی زنان در جامعه به طور مستقیم درباره اندیشه‌های سنتی نسبت به عفت، زنانگی و سایر مسائل حقوق زنان در جامعه مردسالار بحث می‌کند که این امر چه از لحاظ ادبیات چه از لحاظ جامعه، نوآوری و براندازی ارزشمند به شمار می‌رود.

با این حال، عیب اندیشه‌های فمینیسم در این رمان این است که همه مردان را در موقعیت مجرم قرار داده و فقط به تناقضات و تعارضات زن و مرد توجه می‌کند ولی از بیان وابستگی زن و مرد صرف نظر می‌کند. جولیا کریستوا، فیلسوف فمینیست پست مدرنیست، در مورد عیب فمینیسم اگزیستانسیالیستی اظهار داشت که در جهان دوتایی تنها جنگ بی پایان وجود دارد ولی هیچ راه حلی وجود ندارد. بنابراین منطق باید تغییر کند. (Kristeva, ۲۰۰۷) این رمان نیز عیب مشترک فمینیسم اگزیستانسیالیستی را در بر می‌گیرد که بررسی آندروسانتریسم آن نمی‌تواند از چهارچوب جنسیتی دوتایی خارج شود. از این رو این رمان فقط به مسائل مهم منافع زنان توجه می‌کند اما راه‌های حل این مسائل را مطرح نمی‌کند.

همان‌طور که عنوان کتاب *زنان بدون مردان* منعکس می‌کند؛ زنان باید از برجسب جنس دوم خلاص شوند و به افراد مستقل تبدیل شوند. این اثر مستقیماً به مشکلات موجود در جامعه مردسالار توجه می‌کند و زنان را تشویق می‌کند تا از هویت جنس دیگر رها شوند و ارزش وجود خود را پیدا کنند. با وجود این که اندیشه‌های فمینیسم در این رمان بی نقص نیست ولی این رمان باز هم یک نقطه عطف در تاریخ ادبیات فمینیستی ایران بوده است.

کتاب‌شناسی

- پارسی پور، شهرنوش، (۲۰۰۹)، *زنان بدون مردان*
 چنگ، هونگو، (۲۰۱۶)، *از دیگری به خود: مطالعه نظری دیگری از بووار*، پکن، مطبوعات علوم اجتماعی چین
- دوبوار، سیمون، (۱۹۸۸)، *زن چیست؟ یک دختر*، پکن: محافل ادبی و هنری چین
- دوبوار، سیمون، (۱۹۹۸)، *جنس دوم*، پکن، دفتر نشر کتاب چین
- فردمین، جین، (۱۳۸۳)، *فمینیسم*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشیان
- کانر، ملوین (۱۴۰۰)، و *سرانجام زنان*، ترجمه حسن‌علی رونقی، تهران: روشن‌گران و مطالعات زنان
- گیلبرت، ساندر، کویار، سوزان، (۱۹۷۹)، *زن دیوانه در اتاق زیر شیروانی*: نویسندگان زن و تخیل ادبی قرن نوزدهم، نیویورک، انتشارات دانشگاه ییل
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳)، *مردم‌شناسی جنسیت*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
- مرادی، آرزو، (۱۴۰۰)، «رویکردی انتقادی به مقوله زن در ادبیات از سنت تا اکنون»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، شماره اول، ص ۴
- نوری، رضا، (۱۳۹۹)، *رمان‌های فراموشی نشده، زنان بدون مردان*، www.bbc.com/persian/iran-features-۵۴۴۹۸۸۴۱
- نوروزعلی، زینب، (۱۴۰۰)، *آنتولوژی زبانه نویسان ایران*، تهران: امید سخن
- یان، لی، (۲۰۲۰)، «بررسی آگاهی موضوع زن در نظریه فمینیستی»، *مجله دانشگاه معلم چو سیونگ*
- وهاب‌زاده، رحمت، (۱۳۹۷)، «جایگاه زن در ادبیات فارسی ایران (با نگاهی به ادبیات کلاسیک و مدرن)»، *دومین کنفرانس ملی دانش و فناوری روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی ایران*

Examining the character of women and the ideas of feminism in the novel "Women Without Men" by Shahrnouch Parsipour

*Ying Hui Huang

۱. Bachelor of Persian Language and Literature Department, Faculty of Foreign Languages, Peking University, China. Email: Eveyhuang1999@hotmail.com

Article Info (۲۳۵-۲۵۰)

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received:
۱۱ March ۲۰۲۲

Accepted:
۹ April ۲۰۲۳

Keywords:
Shahrnouch
Parsipour
women without
men
women's literature
feminism

The novel "Women Without Men" written by Shahrnouch Parsipour, a famous Iranian writer, is one of the prominent novels of contemporary Iranian literature. The story of this novel is based on the life experiences of five Iranian women of different ages and different classes of society and shows the rights and interests of Iranian women in a patriarchal society. Because the five women in this novel have different personality traits and backgrounds and represent different ages and social classes, their life experiences are an example of different groups of women in Iranian society. The awareness of women's independence embodied in this book indicates the awakening of feminism's thoughts. For this purpose, in this article, an attempt has been made to explain the female characters based on the analytical-descriptive method and to examine the ideas of feminism embodied in this novel by using the theory of feminism.
